

دیدگاه

نتیجه معکوس یک دکترین وحشیانه

حسین رسول زاده | آنچه در اندیشه سیاسی معاصر به «دکترین ضاحیه» مشهور است، راهبردی وحشیانه در عملیات‌های نظامی رژیم صهیونیستی است؛ راهبردی که بر تخریب وسیع زیرساخت‌های عمومی و غیرنظامی و کشتار جمعی از طریق تخریب خانه‌ها، به عنوان ابزاری برای اعمال فشار بر جریان‌های مقاوم و وادار کردن آن‌ها به پذیرش شرایط اسرائیل، استوار است.

این دکترین که ریشه در تفکرات دم‌نشانه صهیونیستی دارد، نخستین بار توسط «گادی آیزنکوت» که در فاصله سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ ریاست ستاد کل نیروهای دفاعی اسرائیل را برعهده داشت، به صورت رسمی تبیین و به عنوان یکی از راهبردهای اصلی در مقابله با جریان مقاومت معرفی شد. نظر به پردازان صهیونیست، استفاده از این دکترین را چنین توجیه می‌کنند: «اسرائیل برای رسیدن به اهداف خود، باید منافع اقتصادی و مراکز قدرت غیرنظامی که به نحوی از سازمان‌های تروریستی حمایت می‌کنند را مورد هدف قرار دهد». منطق نهفته در این راهبرد تهاجمی آن است که با وارد آوردن خسارت‌های فراوان به غیرنظامیان و تشدید رنج و عذاب آن‌ها، مردم علیه گروه‌های مدافع خود به پا خاسته و آن‌ها را به دلیل فشار افکار عمومی و ناآرامی‌های داخلی، مجبور به تن دادن به صلح و پذیرش خواسته‌های اسرائیل کنند. نام این دکترین از منطقه ضاحیه در جنوب بیروت گرفته شده، که به عنوان پایگاه اصلی و مرکز فرماندهی حزب‌الله لبنان در طول جنگ ۳۳ روزه اسرائیل و لبنان در سال ۲۰۰۶ عمل می‌کرد. این محله در جنگ ۳۳ روزه در مرداد ماه ۱۳۸۵، تحت حملات سنگین هوایی و توپخانه‌ای نیروهای دفاعی اسرائیل قرار گرفت و تقریباً به‌طور کامل ویران شد؛ همان وحشی‌گری‌هایی که بعدها، تحت همین دکترین برای غزه هم رخ داد.

دیروز اما این دکترین نتوانست نتیجه دلخواهی را برای ثئوریسین‌ها و ژنرال‌های صهیونیست رقم بزند. موشک‌های ایرانی نگذاشتند دکترین ضاحیه، باز هم در ضاحیه جواب بدهد. این درست که وحشی‌گری‌های رژیم صهیونیستی موحی از نفرت جهانی را از این سگ‌ها برانگیخته است، این درست که تصاویر ویرانه‌ها، آوارگان و غیرنظامیان آسیب‌دیده، نه تنها خشم جهانی را برانگیخته، بلکه در داخل محور مقاومت نیز به عنوان نمادی از وحشی‌گری صهیونیستی به باور عمومی رسیده و همین امر، به جای تضعیف محور مقاومت، اتفاقاً به هر شکلی از دفاع، مشروعیت بخشیده است. همه این‌ها درست. اما آنچه این بار به این استقرا و استنتاج رنگ دیگری بخشید، قدرت رام‌کننده‌ای بود که موشک‌های ایرانی با خودشان به سرزمین‌های اشغالی بردند. موشک‌ها موجب شدند دکترین ضاحیه این بار اثر معکوس بدهد؛ یعنی عادی‌سازی تجاوز به لبنان تبدیل بشود به معادله تثبیت‌شده محور مقاومت برای عادی‌سازی تجاوز به رژیم جعلی صهیونیستی.

خبر

بقایای در پاسخ به قدس درباره پشت‌پرده حمله اخیر به کشور:

رکب رژیم صهیونی به آمریکا یا تقسیم کار؛ گزینه دوم واقعی‌تر است

آرش خلیل‌خانه | سخنگوی وزارت خارجه کشورمان با تأکید بر اینکه حملات موشکی ایران علیه رژیم صهیونیستی طبق مقررات بین‌المللی و ماده ۵۱ منشور ملل متحد صورت گرفت، گفت: ریزینی‌های دیپلماتیک میانجی‌گران و کشورهای مختلف برای کاهش تنش در ۲۴ ساعت گذشته جریان داشته است. اسماعیل بقایی در نشست خبری دیروز خود در پاسخ به پرسش قدس بیان کرد: ریزینی‌های دیپلماتیک در هر شرایطی وجود دارد. وی افزود: باید مدنظر داشت که ایران در این دو ماه پس از آتش‌بس ۹۶ فروردین خویشتن‌داری فوق‌العاده‌ای نشان داده است. ما با نقض‌های متعدد آتش‌بس با همکاری رژیم صهیونیستی و استفاده از امکانات کشورهای منطقه برای اقدام علیه کشورمان مواجه بودیم. بقایی ادامه داد: با اسرائیل به آمریکا رکب می‌زند یا نوعی تقسیم‌کار بین آن‌ها وجود دارد و تجربه نشان می‌دهد گزینه دوم به واقعیت نزدیک‌تر است.وی گفت: در منطقه ما هیچ کس باور نمی‌کند عملی از رژیم صهیونیستی بدون هماهنگی قبلی با آمریکا سر بزنند.بقایی تأکید کرد: با وجود این، آنچه برای ما مهم است اقدام عملی است و در هر اقدامی که اسرائیل در نقض امنیت ملی ایران انجام می‌دهد آمریکا مسئولیت مستقیم دارد.

■ خاتمه جنگ در لبنان بخشی از توافق است

بقایی تصریح کرد: به صورت طبیعی روند دیپلماتیکی که برای خاتمه دادن به جنگ شروع شده و فلسفه آن پایان تجاوز بود، از ابتدا تصریح شده بود و بارها میانجیگر پاکستانی گفت خاتمه جنگ در لبنان بخشی از توافق است. اگر قرار باشد این فلسفه مخدوش شود، خواه ناخواه روند دیپلماسی هم تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. وی افزود: دیپلماسی و میدان هم‌عرض هستند و هر کجا لازم باشد نیروهای مسلح ما ورود می‌کنند و دستگاه دیپلماسی هم با هماهنگی کار خودش را انجام می‌دهد.

■ برای تصمیم‌شورای حکام پاسخ لازم را در نظر داریم

بقایی درباره پاسخ ایران در صورت تصویب قطعنامه ضد ایرانی آمریکا در شورای حکام آژانس نیز گفت: نشست شورای حکام برای بررسی قطعنامه پیشنهادی آمریکا تشکیل می‌شود. اگر تصویب شود، پاسخ ایران چیست؟ ما برای هر پیشامدی آماده هستیم و پاسخ لازم را در نظر داریم.وی ادامه داد: نکته این است کسی که مأمور دبیرکل سازمان ملل است باید در رفتار خودش و انجام وظیفه در مقام مدیرکل آژانس مسئولانه عمل کند.گروسی همچنان بر رویکرد غیرسازنده خودش اصرار دارد. دلیل وضعیت فعلی را نادیده می‌گیرد و صرفاً به پیامد‌های این وضعیت فکر می‌کند.سخنگوی وزارت خارجه خاطر نشان کرد: اگر آژانس نگران است باید کسانیا راس‌زنش کند که بانی این وضعیت بودند؛ یعنی آمریکا و اسرائیل. آژانس هنوز در رابطه با این تجاوز اقدام مسئولانه نداشته و آن را محکوم نکرده است.

آتش‌باری یک‌روزه میان ایران و سگ‌ها ر آمریکا در منطقه، هر چند کوتاه‌اما معنادار بود

هشت پیام جنگ نصر برای رژیم صهیونیستی



فروردین ۲۰۲۴ | ورود حزب‌الله به جنگ به خاطر ایران، حمله ایران به اسرائیل در حمایت از لبنان، ورود یمن به درگیری در حمایت از ایران و فعالیت مقاومت عراق در طول جنگ، همگی ترجمه عملی و دکترین وحدت ساحات در میدان نبرد است

مهدی خالدی | در پی نقض مکرر و آشکار آتش‌بس توسط صهیونیست‌ها با پشتیبانی آمریکا و گذر از خطوط قرمز تعیین شده، نیروهای مسلح ایران در

شبانروز گذشته حملات موشکی سنگینی علیه مواضع رژیم اسرائیل به مرحله اجرا گذاشتند؛ رخدادی که باید آن را سرفصل مهم و تعیین‌کننده معادلات جدید در پازل

مقابله با دشمن اشغالگر ارزیابی کرد. تنش اخیر زیر سایه ماجراجویی خطرناک رژیم جعلی اسرائیل و حمله به ضاحیه جنوبی بیروت رخ داد؛ اقدامی که پیش‌تر، ایران آن را خط قرمز اعلام کرده و طبیعی بود که به آن پاسخ نظامی دهد. بنابراین در اجرای حق دفاع مشروع، نیروهای مسلح در عملیات تنبیهی، اهداف مد نظر در سرزمین‌های اشغالی را در هم کوبیدند. آشنایه‌یک اسکاداران از جنگنده‌های اف-۱۶ در پایگاه هوایی «رامات دیوید» در حومه حیفا- مبدأ تجاوزها به ضاحیه بیروت- در نخستین موج، توسط موشک‌های بالستیک نیروی هوافضای سپاه هدف قرار گرفت. در ادامه رزمندگان نیروی عملیات نصر را در پاسخ به تجاوز موشکی رژیم کودک‌کش صهیونی به چند سایت راداری در سه نقطه کشور علیه مراکز و پایگاه‌های راهبردی «نونایت» و «تلئوف» اجرا کردند. در پاسخ به تجاوز دشمن به بخشی از واحدهای پتروشیمی کارون واقع در ماهشهر نیز، پتروشیمی «بازار» در حیفا مورد حمله قرار گرفت. آتش‌باری و تنش یک‌روزه میان ایران و سگ‌ها ر آمریکا در منطقه، هر چند کوتاه‌اما معنادار بوده و پیام پیامدهای مهمی دارد که در هشت حوزه می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد.

۱. **تعریف معادله چندوجهی**: در وهله نخست اقدام تنبیهی ایران را باید تعریف معادلات جدید برابر محور شر دانست. چند روز پیش و هنگامی که زمزمه‌های آغاز حمله گسترده تل‌آویو به ضاحیه بیروت به گوش رسید، سرلشکر علی عبداللهی، فرمانده قرارگاه مرکزی حضرت خاتم الانبیا(ص) در پیامی راهبرد جدید ایران را مشخص کرد؛ حمله به ضاحیه با موشکباران شمال سرزمین‌های اشغالی پاسخ داده خواهد شد. هر چند بسیاری تهاجم اخیر رژیم اسرائیل به بیروت را محدود و با هدف سنجیدن میزان صبر جمهوری اسلامی ارزیابی کردند ولی واکنش جمهوری اسلامی تثبیت معادله مهم بیروت در مقابل حیفا بود.

از سوی پیام سیدمجد موسوی، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران با این جمله کوتاه «الوعده‌فا»، تضمین‌کننده این معادله است که ایران و محور مقاومت اهل شعار نیست. با این تفاسیر حمله واکنشی ایران در پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی به ضاحیه بیروت، صرفاً یک اقدام تلافی‌جویانه نبود؛ بلکه فصل تازه‌ای از سیاست دفاعی و نمایش اعتبار راهبردی هشدارهای جمهوری اسلامی بود. تداوم این روند به یاری خدای می‌تواند معادله بازدارندگی را به نفع محور مقاومت تغییر داده و هزینه عبور از خطوط قرمز اعلامی ایران را به‌طور محسوسی افزایش دهد.

۲. **دست برتر در چارچوب‌سازی**: ایران آتش‌بس را پذیرفته اما به یک شرط مهم: «در صورت تداوم تجاوزها و شراحت‌ها، از جمله در جنوب لبنان، اقدام‌ها بسیار شدیدتر و کوبنده‌تر از قبل در راه خواهد بود». افزوده شدن جنوب لبنان به معادلات، یعنی دست برتر جمهوری اسلامی در چارچوب‌سازی روندهای سیاسی و نظامی. در حوزه دیپلماتیک، تهران باافشاری بر مسئله لغو محاصره دریایی و دریافت پول‌های بلوکه شده عملاً ترامپ را در مانگنه قرار داده است. در حوزه نظامی هم تهران در چند وقت اخیر تحمیل خسارت‌ها به دشمن را آن‌گونه که او را از فکر تهاجم دوباره بازدارد در دستور کار قرار داده که این سازوکار در حمله به کویت و امارات عملاً اجرایی شد. حال در شرایطی که دشمن صهیونیست سعی داشت همچنان معادله «یک در برابر یک» و «موشک در برابر موشک» را حفظ کند، افزوده شدن جنوب لبنان به دایره مطالبات ایران، دست‌برتر کشورمان را در دیپلماسی و میدان آشکار می‌کند.

۳. **هماهنگی جبهه‌ها**: وحدت ساحات قطعاً بدترین کاپوس است که برای دشمن در جنگ اخیر رقم خورد. هم‌زمان با حملات موشکی ایران به اسرائیل، حزب‌الله با هفت موشک سنگین و ۱۵ پهپاد انتحاری به نقاطی در

شمال اسرائیل هجوم برد. موازی با آن، گزارش‌ها از شلیک دو موشک از یمن به سمت فلسطین اشغالی حکایت داشت. به این مسئله تهدید صریح ایوآکه الولائی، دبیرکل مقاومت اسلامی گردان‌های سیدالشهدا(ع) عراق، به آمادگی برای ورود به صحنه رویارویی با رژیم صهیونیستی را باید افزود. ورود حزب‌الله به جنگ به خاطر ایران، حمله ایران به اسرائیل در حمایت از لبنان، ورود یمن به درگیری در حمایت از ایران و فعالیت مقاومت عراق در طول جنگ، همگی ترجمه عملی دکترین وحدت ساحات در میدان نبرد است. آمریکا و اسرائیل تلاش کردند راهبرد «تفکیک جبهه‌ها» را پیش ببرند. آن‌ها می‌خواستند نبرد ایران- آمریکا از نبرد ایران- اسرائیل جدا شود، نبرد ایران- اسرائیل از نبرد اسرائیل- جبهه مقاومت جدا باشد و نبرد ایران- تنگه هرمز نیز از نبرد ایران- اسرائیل جدا شود. اما ایران نشان داد وحدت ساحات صرفاً یک شعار نیست؛ بلکه در میدان نبرد عملیاتی می‌شود.

۴. **حراج اعتبار آمریکا**: تحولات اخیر را باید یک بی‌اعتباری تمام عیار برای آمریکا نیز به حساب آورد، اتفاقی که شکاف‌های عمیق میان واشنگتن و تل‌آویو را درباره روندهای جاری برجسته کرد. در این باره سناتور کریس مورفی با بیان اینکه جنگ برای ترامپ و قدرت آمریکا به طور کلی تحقیرآمیز بوده است، نوشت: وقتی ترامپ اعلام می‌کند قصد دارد با نتانیاهو تماس بگیرد و به او بگوید تلافی نکند و در عرض چند ساعت نتانیاهو تلافی می‌کند، تحقیر فقط بیشتر می‌شود. این نشان می‌دهد ترامپ به صورت کامل مدیریت این جنگ را از مدت‌ها پیش از دست داده است.

اما در حالی که اوری گلدبرگ، مفسر سیاسی معتقد است پس از تشدید تنش‌های نظامی اخیر اسرائیل در ایران و لبنان، روابط میان ایالات متحده و اسرائیل در معرض خطر است؛ هری سسیون دیگر تحلیلگر سیاسی آمریکایی نتیجه می‌گیرد که ترامپ به این دلایل دوباره

در صحنه جهانی تحقیر شد؛ ۱۰. ایران برای نخستین بار از زمان آتش‌بس آوریل، اسرائیل را بمباران کرد. ۲. ترامپ با نتانیاهو تماس گرفت و به او گفت تحت هیچ شرایطی پاسخ ندهد. ۳. نتانیاهو هم ایران را بمباران کرد. نتیجه: ترامپ ضعیف است.

۵. **بازی پلیس خوب**: بی‌تفاوت به انتقادات از نحوه باز یگری واشنگتن در رخداد‌های اخیر، بازی پلیس خوب ترامپ و ماهی‌گیری وی از آب گل‌آلود ادامه داشت. «من همین الان با نتانیاهو تماس می‌گیرم و می‌گویم به ایران پاسخ ندهد!»؛ این نخستین واکنش ترامپ هم‌زمان با عملیات تنبیهی ایران بود. او در تقلا برای رسیدن به تفاهمی با جمهوری اسلامی و خروج از تنگنای جنگ احمقانه سپس در گفت‌وگو با شبکه فاکس نیوز گفت: پیشنهادی که به ایران دارم این است؛ موشک‌های خود را شلیک کرده‌اید، همین کافی است. به میز مذاکره بازگردید و توافق کنید. رئیس‌جمهور ایالات متحده در نهایت سر صبح و با چشم‌باز کردن از خواب چنین توبیت زد: ایران و رژیم صهیونیستی باید هر چه سریع‌تر شلیک را متوقف کنند. ترامپ دست آخر مدعی شد یک جنگ دیگر را پایان داده؛ در مجموع ۹ جنگ.

۶. **خط سانسور**: اگرچه تصاویر و فیلم‌های منتشر شده اصابت قطعی چند موشک ایران به نقاط مختلف در سرزمین‌های اشغالی را افشا می‌کرد، اما خط سانسور ارتش صهیونیستی در زمینه اطلاع‌رسانی تحولات جنگ برجسته بود. ارتش اشغالگر در اطلاع‌رسانی ابتدایی خود اعلام کرد تمامی موشک‌های پرتاب شده از سوی جمهوری اسلامی در صبح دوشنبه رهگیری شده و پرتابه‌ای که به یک زمین باز در کرانه باختری اصابت کرده احتمالاً یک قطعه بزرگ باقیمانده موشک پس از عملیات رهگیری بوده است! چنین خط سانسوری در رسانه بازتاب بسیاری داشت و الجزیره چنین نتیجه می‌گیرد که این رویکرد ارزیابی کامل میزان خسارت‌های وارد به اشغالگران را دشوار کرده است.

۷. **باب‌المنذب همتراز با هرمز**: در شرایطی که با آغاز تنش‌ها، ایران با بستن راه چهار نفتکش در هرمز عملاً بستن کامل این آبراهه را دوباره کلید زد، هم‌زمان رخداد‌های جاری از آمادگی برای اجرای چنین سناریویی در باب‌المنذب حکایت دارد. اقدام نیروهای مسلح یمن در ممنوعیت در یانوردی شناورهای اسرائیلی در دریای سرخ و واکنش به حملات آمریکا و اسرائیل علیه محور مقاومت، تمرین چنین سناریویی بود. نیروهای انصارالله با این گام عملاً تنگه باب‌المنذب را وارد دایره درگیری کرده و به دشمن این گرا را دادند که مبادا در محاسبات خود پیامدهای سخت اقتصادی را به جان بخرد.

۸. **بازی منفی آژانس**: در حالی که نشست فصلی شورای حکام از روز گذشته آغاز شده، از نقش منفی دبیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پرونده‌سازی دوباره علیه ایران آن هم در وانفسای جنگ و افزایش تنش‌های نظامی نباید غافل بود. افاائل گروسی که با ارائه گزارش‌های جهت‌دار، پیش‌تر عملاً جاده صاف‌کن تجاوز به کشورمان بود، در راستای مدیریت فشارها بر جمهوری اسلامی مدعی شده «آژانس یک سال است که به تأسیسات هسته‌ای ایران دسترسی ندارد». این نوع عملکرد البته با واکنش کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت گزارش‌های جهت‌دار گروسی هشدار دادو گفت: «از دست رفتن پیوستگی دانش» در برنامه هسته‌ای ایران به دلیل نبود دسترسی، تکرار عدد «۶۰ درصد» و طرح سناریوهای احتمالی درباره سلاح، بدون توضیح دقیق چارچوب حقوقی توسط گروسی، بیشتر سیاسی است تا فنی.

روزشمار جنگ | روز صد و دوم

پاسخ کوبنده ایران به تجاوز رژیم صهیونیستی در لبنان، متغیرهای جدیدی را در آتش‌بس وارد کرد

بازتنظیم معادله آتش‌بس در میدان



■ ترمز کاخ سفید در تل‌آویو؛ استیصال در برابر تورم

واکنش آمریکا به این حملات، رونمایی از چهره جدید این کشور بود که پس از جنگ رمضان شکل گرفته است. دونالد ترامپ که هفته‌ها با لفاظی‌های هسته‌ای و تهدید به نابودی زیرساخت‌های ایران، تلاش می‌کرد خود را مسلط بر اوضاع نشان دهد، در توبیتی کوتاه نوشت: «هر دو طرف باید فوراً تیراندازی را متوقف کنند! مذاکرات صلح در جریان است». این جملات، اعتراف واشنگتن به ناکارآمدی گزینه نظامی است. گزارش‌های کانال ۱۲ اسرائیل مبنی بر اینکه ترامپ شخصاً با نتانیاهو تماس گرفته و از خواست‌هاست پاسخی به ایران ندهد، نشان‌دهنده هراس عمیق کاخ سفید از تسری آتش به خلیج فارس است. آمریکا می‌داند هر شلیک جدیدی از سوی اسرائیل، ماشه انسداد کامل و بی‌قید و شرط هرمز و دریای سرخ را خواهد کشید. هشدار حوثی‌های یمن مبنی بر «ممنوعیت مطلق و کامل» تردد کشتی‌های اسرائیلی در دریای سرخ، گواه این است که خفگی اقتصادی محور عبری- آمریکایی، تنها با یک خطای محاسباتی به مرحله غیر قابل بازگشت خواهد رسید.

■ اقتصاد خویین و رسوایی در مدیریتانه

ترکش‌های این نبرد موشکی، بلافاصله در بازارهای جهانی نمایان شد. جهش ۵ درصدی قیمت نفت برنت و رسیدن آن به نزدیکی کانال ۱۰۰ دلار، لره بر اندام اقتصادهای اروپایی انداخت؛ تا جایی که اتحادیه اروپا در یک نشست اضطراری، رزنگ خطر زمستان سخت را به صدا درآورد.

در این میان، انزروی اخلاقی اسرائیل در بالاترین سطح خود قرار دارد. توقیف وحشیانه کشتی‌های «ناوگان آزادی غزه» در آب‌های بین‌المللی یونان و بازداشت فعالانی نظیر خواهر رئیس‌جمهور ایرلند، صدای متحدان اروپایی آمریکا را نیز درآورده است. وقتی ۱۷۳ نماینده پارلمان بریتانیا (از حزب حاکم کارگر) خواستار تحریم کالا‌های اسرائیلی می‌شوند و دولت اسپانیا اقدام‌های تل‌آویورا «دزدی دریایی» می‌نامد، مشخص می‌شود که اسرائیل، نه‌تنه‌ادر میدان بازدارندگی نظامی، بلکه در دادگاه افکار عمومی جهان نیز شکست خورده است.

■ ایستگاه صد و دوم؛ جنگی که با توبیت تمام نمی‌شود

جنگ دوباره به یکی از نقاط عطف مهم خود رسیده است. ایران با شلیک‌های هدفمند، هم خطوط قرمز امنیتی خود را در لبنان تثبیت کرد و هم با توقف هوشمندانه عملیات، توپ را به زمین واشنگتن انداخت. ترامپ که حالا با واقعیت «یک ایران مصمم و مجهز» روبه‌رو شده، ناچار است میان دو گزینه دردناک یکی را انتخاب کند؛ با پذیرش شروط ایران (شامل توقف قطعی ماشین‌کنشار در غزه و لبنان و رفع محاصره دریایی) و یا ورود به یک قمار منقطع‌ای که برنده آن قطعاً رئیس‌جمهوری که نگران تورم بنزین و انتخابات است، نخواهد بود. خاورمیانه بار دیگر، به نقطه جوش رسیده و این بار، هژمونی غرب است که روی مین‌های هرمز، ثانیه‌شماری می‌کند.